



نبود حق رای و تصرف در سرمایه برای زنان اروپایی تا اوایل قرن ۱۹

امروز هم - به رغم همه این جنجال‌ها و هیاهوهایی که در زمینه مسأله زن وجود دارد و ادعای اروپا در حمایت از زن و موضع انسانی زن - متأسفانه همان برداشت غلط وجود دارد. اروپایی‌ها دیر آمدند، وارد میدان شدند، یعنی دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیراروپایی نسبت به مسأله زن تنبّه پیدا کردند و خیلی دیر فهمیدند مسأله را - چون می‌دانید تا دهه‌های دوم این قرن در هیچ جای اروپا هیچ زنی حق رأی دادن نداشت، حق صرف کردن مال خودش را نداشت؛ [حتی] آنجا‌هایی که دموکراسی هم بود؛ از دهه دوم، یعنی از سال‌های ۱۹۱۶ یا ۱۹۱۸ به بعد، یواش یواش در کشورهای اروپایی شروع شده که به زن حق بدهند برای اعمال نظر، برای تصرف در سرمایه خودش، برای حقوق اجتماعی متساوی با مرد - چون خیلی دیر از خواب پا شدند، مثل این‌که می‌خواهند این عقب‌افتادگی از لحاظ زمان را با جنجال‌های دروغی جبران کنند، پر کنند. البته بله، خانم‌هایی که ملکه می‌شدند یا خانم‌هایی که اشرافی بودند، در تاریخ اروپا وجود داشتند اما حکم یک زن و زنان یک فامیل یا یک تیره یا یک طبقه، غیر از مسأله زن است. این تبعیض‌ها همیشه بوده. بله، خانم‌هایی هم بوده‌اند که در سطوح بالا قرار می‌گرفتند و مثلاً ملکه یک کشوری می‌شدند، این امتیاز از طریق خانواده و میراث و این چیزها به آنها داده می‌شده؛ اما برخلاف دیدگاه‌های ادیان - ادیانی که سالم و دست‌نخورده آنها اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین جور - زن در جامعه به عنوان زن، به هیچ وجه از حقوق برخوردار نبوده.

پس ببینید امروز هم که دنیای تمدن غرب می‌خواهد آن عقب‌افتادگی بسیار ملامت برانگیز خودش در مورد مسأله زن را جبران کند، جور دیگری جبران می‌کند؛ یعنی باز هم به یک شکل دیگری دارد این قضیه را دنبال می‌کند که آن شکل، به نظر من - آن جور که من تصور می‌کنم - این است که اینها جانب مفاهیم انسانی را در مورد زن، تحت الشعاع مسائل دیگر قرار می‌دهند؛ تحت الشعاع مسائل تبلیغاتی، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی؛ کما این‌که از اول هم همین جور بوده؛ در اروپا از اولی هم که به زنان حقوقی داده شد، اغلب بر همین مبانی غلط استوار بوده.

۱۱۹ هزار و ۱۶۴ زن در سال ۲۰۲۰ قربانی خشونت بوده‌اند. شمار مردان قربانی خشونت هم ۲۸ هزار و ۸۶۷ نفر اعلام شده که حاکی از رشد ۵۰ درصدی در مقایسه با سال قبل از آن است. خشونت شریک جنسی نیز نوعی خشونت خانگی است و می‌تواند شامل تجاوز جنسی، تعقیب و سلب آزادی و همچنین قتل و قتل عمد باشد. در آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای غربی هم وضع به همین منوال است. در واقع ظلم و خشونت علیه زنان در این کشورها فقط تغییر شکل داده اما همچنان وجود دارد. در زیر نقاب زنان آلاکارسون شده و اتوکشیده و چهره‌های هالیوودی که روی صحنه زیر نورافکن‌ها می‌درخشند و لب‌خند می‌زنند، زنانی وجود دارند که زیر بار نظام مردسالار غرب کمر خم کرده‌اند؛ زنانی که یک روز در کارخانه‌های

مهمات‌سازی و زغال‌سنگ و در سخت‌ترین شرایط کاری، خیلی وقت‌ها از عوارض کاری جان می‌دادند و امروز زیر بار خشونت و نبود امنیت در دنیای غرب با چالش‌های جدی مواجه‌اند.



برای مشاهده منبع
کی‌وازد را اسکن کنید



طبق گزارش یورونیوز، ژرالد درمن، وزیر کشور فرانسه با صدور بیانیه‌ای از افزایش ۳۳ درصدی موارد ثبت‌شده خشونت جنسی در این کشور در سال ۲۰۲۱ خبر داد. وزیر کشور فرانسه همزمان با انتشار این گزارش گفت افزایش آمار ارقام خشونت‌ها از زمان آغاز دوره پنج‌ساله ریاست جمهوری امانوئل مکرون، عمدتاً ناشی از اعلام بیشتر خشونت‌های خانگی (۵۷ درصد) و خشونت‌های جنسی (۸۲ درصد) است. نهادهای بین‌المللی دفاع از حقوق زنان و کودکان همواره در گزارش‌های خود راجع به اعمال خشونت علیه این بخش‌های جامعه آمار را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند و می‌گویند ترس از مجرمان و شرم و خجالت، در بسیاری از موارد باعث عدم شکایت قربانیان می‌شود.

● هر ۲/۵ روز، مرگ یک زن به دست شریک عاطفی!

شبکه خبری دویچه وله در گزارشی مربوط به زنان، به طور ویژه معضل خشونت را مورد توجه قرار داده است. در این گزارش با عنوان «کابوس هر روز: خشونت علیه زنان» آمده است در هر ۲/۵ روز یک زن در آلمان به دست شریک عاطفی فعلی یا شریک عاطفی قبلی‌اش کشته می‌شود.

دویچه وله این اطلاعات را بر مبنای داده‌هایی که برآیند سال ۲۰۲۱ است و در روز جهانی نفی خشونت علیه زنان که رسانه‌ای شده، منتشر کرده است و به واژه فمیسید یا کشتن زنان می‌پردازد. در آلمان به طور متوسط، هر روز یک مورد اقدام به قتل یک زن گزارش می‌شود و طبق آمارهای جدید، فقط در سال ۲۰۲۰، ۱۳۹ زن کشته شدند.

«کتک خوردن»، «خفه شدن به دست شریک عاطفی»، «آزار شدید شوهر» و عناوینی مثل این‌که «شریک عاطفی قبلی به خانم پزشکی، ۱۸ ضربه چاقو زد»، فقط برخی از مواردی است که در این گزارش ذیل عناوین خشونت علیه زنان در آلمان به آنها اشاره شده است. اینها مسائلی است که نه تنها زندگی روزمره را به کابوسی برای بسیاری از زنان تبدیل کرده، بلکه طی سال‌ها سیر صعودی داشته است. طبق اطلاعاتی که پلیس فدرال جنایی آلمان منتشر کرده است،



**شکاف درآمدی
بین زنان و مردان
در کشورهای
غربی هم به شکل
برجسته‌ای وجود
دارد و بارها مورد
توجه رسانه‌های
خودشان قرار
گرفته است. چندی
پیش بود که
روزنامه فرانسوی
«لومانیته» در
مقاله‌ای با تیتیر
«زنان مجانی
کار می‌کنند» به
انتقاد از شکاف
در دستمزد زنان و
مردان در کارهای
مشابه پرداخت**

یا حتی اقتصادی و در مجموع هر آنچه زن را آزار می‌دهد در بر بگیرد. با وجود این گرچه این کنوانسیون در فرانسه تصویب شده اما در این کشور، نخستین قربانیان جنسی و خشونت‌های جنسی کودکان هستند.

طبق گزارش شورای عالی برابری میان زنان و مردان در ۳۰ هزار تجاوز گزارش شده در سال، ۶۰ درصد آنها شامل قربانیان زیر ۱۱ سال است. بیش از این، توجه به این نکته هم ضرورت دارد که در میان قربانیان تجاوز و آزار جنسی که زیر ۱۸ سال دارند، افزون بر سه چهارم آنها را زنان تشکیل می‌دهند. تا سال ۲۰۲۰، نهادهای قانونی بیش از ۲۵ هزار مورد این چنینی را شناسایی کرده‌اند. در این بین نکته‌ای که عمق فاجعه آمار یادشده را بیش از پیش نشان می‌دهد، این است که زنان معلول بیشتر از سایر زنان در معرض خشونت‌های جنسی قرار دارند. در سال ۲۰۱۸، ۳۷/۷ درصد از افرادی که دارای معلولیتی هستند، اعلام کردند طی دو سال قبل از آن خشونت فیزیکی یا جنسی را تجربه کرده‌اند، این درحالی است که این آمار درباره افراد سالم ۵ درصد است. مقامات فرانسه در سال ۲۰۲۱، ۷۸۲۰ محل اسکان اضطراری اختصاص داده شده به زنان را رزرو کرده بودند که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی در مقایسه با تعداد مکان‌های موجود در دهه قبل است اما برای این‌که این رقم به عدد قابل قبولی برسد، همچنان راه زیادی پیش‌رو است.



برای مشاهده منبع
کی‌وازد را اسکن کنید

بنابر اعلام شورای عالی برابری زنان و مردان، سالانه بیش از ۲۰ هزار زن و کودک برای درمان ماندن از خشونت خانگی، به سرپناه اضطراری نیاز دارند.